

روزهای سخت کرونایی ادامه داشت

از اسفند ۹۸ تا امروز، هفت موج بیماری کرونا را پشت سر گذاشته‌ایم و در این ۲۶ ماه، تعداد خیلی زیادی از پزشکان جان خود را در راه مبارزه با کرونا و نجات جان هم‌وطنان خود از دست داده‌اند. خیلی‌ها نیز درگیر بیماری شدند و نتوانستند به طبابت ادامه دهند و همه این روزها را دیده‌اند و یا پس نکشیده‌اند. از یادمان نمی‌رود که در روزهای ابتدایی شیوع کرونا در جهان، برخی از پزشکان و پرستاران در کشورهای اروپایی، دست به اعتراض و اعتصاب زدند و نتوانستند روزهای سخت کرونایی را تحمل کنند؛ اما طبیبان ایرانی هرگز حاضر نشدند به خاطر نجات جان خود، جان هم‌وطنانشان به خطر بیفتند. چه‌بسا اگر رشادتها و ایثار مدافعان سلامت نبود، شرایط ما سخت‌تر شده بود و آمار مرگ‌ومیر نیز بیشتر.

دفاع مقدس و کرونا

جامعه پزشکی در دوران هشت سال دفاع مقدس توانست به خوبی از جایگاهی که برای آن قسم خورده است، دفاع کند؛ به طوری که در اسناد نظامی هم به این موضوع اشاره شده که کادر درمان ما بدون هیچ ترس و واهمی‌ای از دشمن، در خط مقدم رزم، مشغول درمان مجروحان می‌شدند. همین ویژگی را برای دومین بار در دوران کرونا شاهد بودیم.

نکته تشابه این دو مقطع تاریخی، وجود پدیده‌های ناشناخته در هر دو مقطع است. در زمان جنگ ما با یک پدیده ناشناخته همچون بیماران شیمیایی مواجه شدیم و کادر درمان با گروهی از بیماران روبه‌رو می‌شدند که نمی‌دانستند راه درمان آنها چیست و در دوران کرونا نیز با یک ویروس ناشناخته مواجه شدند و کادر درمان وارد میدان مبارزه‌ای شدند که هیچ تصویری از آن نداشتند.

کادر درمان مانند رزمندگان با همان انگیزه‌های جهادی در میدان مبارزه حاضر شدند. در دوره هشت‌ساله جنگ اعمال جراحی طولانی مدت انجام می‌شد و پزشکان زیادی داشتیم که مانند سردارهای جنگ شبانه‌روزی در جبهه درمان حضور داشتند و در دوره کرونا نیز اتفاقات مشابه زمان جنگ را می‌بینیم؛ کادر درمان بی‌ادعا و بی‌وقفه در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی به مردم خدمت می‌کنند. این دو مقطع تاریخی نشانگر خدمت جامعه پزشکی به کشور است.

زن و شوهر پرستار

نگران بودم که شوهرم به کرونا مبتلا نشود، ولی متأسفانه شد؛ چون پرستار بخش اورژانس بود. اینها را خانم جوانی می‌گوید که در بیمارستان سینا در بخش بیماران مبتلا به کووید ۱۹ کار می‌کند.

این خانم آن روزها را این‌گونه روایت می‌کند: مجبور شدیم همسرم را ۱۴ روز قرنطینه کنیم و این مدت خیلی نگران او بودم؛ چون واقعا حالش بد بود. ولی خوشحالی و امیدم این بود که می‌دیدم مریض‌های اینجا خوب می‌شوند، مرخص می‌شوند و می‌روند خانه و من از تل دل برای آنها آرزوی خوشی و سلامتی می‌کردم.

از این دست صحنه‌ها در دوران کرونا زیاد دیده‌ایم و شنیده‌ایم؛ زن و شوهر پزشک، برادر و خواهر پرستار... که شاید این روزها دیگر کنار هم نباشند و کرونا یکی از آنها را گرفته است. باین حال، روزهای ایثار و از جان‌گذشتگی کادر درمان در روزهای سخت و تلخ کرونا، برای همیشه به‌عنوان میراث ماندگار و جاودان باقی خواهند ماند.

فرزندان این مرز و بوم باید این میراث جاودان را سینه به سینه و نسل به نسل به آیندگان انتقال دهند تا معلوم شود جامعه پزشکی جدا از مردم نیست.

مشق عشق کادر درمان

مدافعان سلامت، قهرمانان حکایت کرونا، بزرگ‌مردان و زنانی هستند که با شیوع این ویروس سرکش، مردم را در برابر این بیماری مهلک تنها نگذاشتند و با تمام توان پای کار ماندند و در این میان عده‌ای از آنان به این ویروس وحشی مبتلا شدند و تعدادی دیگر جانشان را از دست دادند.

پزشکان فقط به فکر پول نیستند

شاید موضوعی که جامعه پزشکی را همواره دلخور می‌کند و می‌رنجانند، برچسب «پزشک پولکی» است؛ زیرا برخی افراد فکر می‌کنند جامعه پزشکی از طبقه مرفه بی‌درد است. درحالی‌که قریب به اتفاق پزشکان، در سطح متوسط و پایین جامعه قرار دارند و این‌گونه نیست که با درد و رنج مردم بی‌گانه باشند.

جامعه پزشکی توقع دارد در روزهایی که کرونا خاموش می‌شود، خدمات آنها فراموش نشود. جامعه پزشکی دلخوش به اعتماد مردم است و اگر قرار باشد این اعتماد دهم‌ده‌دار شود، قطعا در مسیر خدمت پزشکان به مردم مشکلاتی بروز خواهد کرد که آسیب آن در وهله اول متوجه سلامت مردم خواهد شد. بنابراین جایگاه و منزلت جامعه پزشکی را ارج نهیم.

یادداشت



حسن فتاحی

هفته‌ای که در آن به سر می‌بریم، هفته دولت است؛ یا به عبارتی که در تقویم‌ها می‌نویسند، هفته گرامیداشت دولت. پیش از این در بیش از دو سال گذشته که بیماری کرونا همه‌گیر شده بود و در زمین می‌تاخت، درباره کرونا و سطوح متفاوت برخوردها و کنش‌هایی که جامعه با آن داشت، نوشته‌ام. اینجا و در این یادداشت کوتاه، بار دیگر از کوتاهی در قبال آن خواهم گفت؛ اما این بار می‌خواهم به کرونا و چگونگی مدیریت آن از دریچه «دولت» نگاهی بیندازم. قبل از آن لازم است واژه دولت را به درستی تعریف کنم تا خوانندگان عزیز بدانند در این یادداشت منظورم از دولت چیست. شاید ساده‌ترین تعریفی که به ذهن هرکسی از واژه دولت خطور کند، چنین است که به رئیس‌جمهور که به نوعی نامستقیم برای مستقیم مردم برگزیده می‌شود، به همراه هیئت دولت و کابینه و وزیران و معاونان، دولت می‌گویند. در میان مردم واژه دولت بسیار به کار می‌رود. برای نمونه مردم عادی وقتی می‌خواهند بگویند چیزی به شکل قانون درآمده یا کاری ممنوع شده است، می‌گویند دولت فلان چیز یا فلان کار را اجبار کرده یا قدغن کرده است. این تعریف از دولت، دم‌دستی‌ترین تعریف از آن است. مردم عادی بیشترین چیزی را که می‌شناسند، دولت است. اما حقیقت این است که در کشور ما دولت مفهومی پیچیده است. در واقع در تمام دنیا مفهوم دولت پیچیده شده است. اگر یک گام جلوتر برویم، شاید برخی دولت را کسانی بدانند که در استخدام نهادهای دولتی هستند؛ مثلا از اعضای هیئت‌علمی گرفته تا کارمندان بانک و اداره‌ها را دولت می‌نامند که از یک سو درست و از سوی دیگر نادرست است. اما در این یادداشت می‌خواهم دولت را نوع دیگری تعریف کنم. پیش از ورود کشورها و جوامع انسانی به عصر مدرن و توسعه‌محور، دولت و مردم دو چیز جدا از هم بودند که می‌شد هر دو را تا حد زیادی از هم تفکیک کرد. حتی جوامع هم چنین بودند. برای مثال در یک روستا یا یک شهر کوچک، هر خانواده‌ای مشغول کار خودش بود و زندگی روزمره‌اش چندان به دیگری گره نخورده بود؛ کویی یک روستا یا یک شهر مانند سنگ‌های کف‌پوشی بودند که کنار هم چیده شده بودند و صرفا کنار هم چیده‌شدن آنها معنادار بود. اما با ورود به عصر صنعتی و مدرن، معنای دولت هم کم‌وبیش در بسیاری از کشورها عوض شد. حالا دیگر یک مفهوم جدید با نام «دولت-مردم» یا دقیق‌تر بگویم «دولت-نقان» پدید آمده است. برای اینکه راحت‌تر متوجه شوید، تعداد زیادی چرخ‌دنده را که همگی تودرتو به هم تنیده شده‌اند، در نظر بگیرید. این چرخ‌دنده‌ها همگی یک سامانه یکپارچه را تشکیل می‌دهند که نتیجه نهایی چرخیدن تک‌تک آنها به حرکت درآمدن کل سامانه یا کشور است. چرخ‌دنده‌ها اندازه‌های متفاوتی دارند. رئیس‌جمهور، کابینه و مسئولان رده‌های بالایی، چرخ‌دنده‌های بزرگی هستند. در سامانه «دولت-نقان» هر چند اندازه‌ها مهم‌اند، اما سلامت هر چرخ‌دنده بسیار مهم‌تر است. شکستگی چند دندانه از یک چرخ‌دنده کوچک می‌تواند حرکت کل کشور را مختل کند. شکستگی دندانه‌ها را به ناکارآمدی، نامتخصص بودن و کم‌بهره‌وری ترجمه کنید. برای کسانی هم که با واژه «نقان» آشنایی ندارند، بگویم که این واژه برابر نهاد واژه «Nation» است. پس با این پیش‌آگاهی که دولت نه به معنای سیاسیون، بلکه به معنای بدنه‌ای از کشور و بخشی از آحاد جامعه که بیشترین کنش را با یک مسئله دارد، به بررسی عملکرد دولت در دوره کرونا می‌پردازم. اگر بخواهم در یک کلام و به کوتاهی هرچه تمام بگویم، کادر درمان ایران در دوره کرونا سربلند و سرفراز بود. اجازه دهید یک بار مشکلات کادر درمانی کشور را با هم در دوره کرونا مرور کنیم و پیش از آن کادر درمان را بازتعریف می‌کنم. کادر درمانی شامل

نقش دولت به معنای مدرن در مدیریت کلان کرونا

مدیران بخش درمانی و دارویی و تجهیزاتی است؛ شامل تمام پزشکان، پرستاران، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و داروخانه‌های دولتی و خصوصی، تمام کادر خدماتی و بهداشتی کشور است. نیروهای نظامی ارتش هم که از انعطاف بالایی برخوردارند و می‌توانند در بحران‌های مختلف به کمک آحاد مردم بیایند، در بحران کرونا بسیار درخشان عمل کردند و هرچند در تعریف کلاسیک زیرمجموعه دولت نیستند، اما در بحران کرونا کنار دولت-مردم بودند. تاکید می‌کنم در بحران کرونا که هنوز هم تمام نشده، کل کشور درگیر بود و کل ایران نمره قبولی گرفت؛ درحالی‌که کمبودها، محدودیت‌ها و مشکلات بسیار بود؛ از نبود واکسن گرفته تا مشکلات برآمده از بحران‌های اقتصادی کشور و پیامدهای تحریم. به همه اینها، کادر درمانی در خط مقدم بود. اجازه دهید به کوتاهی درباره بخش‌های اصلی درگیر در کادر درمان توضیح دهم. بیمارستان‌های دولتی و کادر درمانی آنها که حالا کویی دولتی بودند که در خط مقدم است. در خط مقدم بودند و سختی‌های جانکاهی متحمل شدند. چندین و چند پزشک عالی‌قدر جان خود را برای پاسداری از جان مردم ایران از دست دادند. علاوه بر پزشکان، پرستاران و دیگر اعضای کادر درمان هم جان‌ها دادند تا ایران جان بگیرد و همه‌گیری کرونا مهار شود. بخش دیگری از کادر درمان که بسیار درگیر همه‌گیری کرونا بودند، داروخانه‌های کشور بودند. داروخانه‌ها تمام کمر به همراهی بیماران بستند و در وانفسای کمبود ماسک و الکل و نبود واکسن، فشار کاری زیادی را تاب آوردند. داروخانه‌ها از آن جاهایی هستند که برخلاف تصور نیازمند تاب‌آوری بسیار داروساز و کادر فنی هستند. بیماران کرونایی مراجعه‌کننده به داروخانه چند دسته بودند؛ برخی نسخه بیمارستان به دست دنبال دارو برای بیماران‌شان بودند و داروخانه آخرین جایی بود که با اعصاب خراب مراجعه می‌کردند و بسیار دیده شد که حتی تاب پاسخ‌دادن به یک پرسش داروساز داروخانه را نداشتند که باید پرسیده می‌شد. برخی از بیماران بدون مراجعه به پزشک، یک‌راست به داروخانه می‌آمدند و تقاضای دارو داشتند. برخی از داروساز یا کادر فنی می‌خواستند دارو تجویز کند و برخی خودشان اصرار داشتند که فلان دارو را می‌خواهند و گوش‌شان هم به حرف کادر داروخانه بدهکار نبود. برخی بودند که متوجهانه می‌گفتند کرونا در کار نیست و باورهای توهم توطئه داشتند؛ این دسته ماسک نمی‌زدند و وقتی برای تهیه دارو به داروخانه مراجعه می‌کردند، با کادر فنی که تدارک می‌دادند و دیگر افراد دچار تنش می‌شدند. از واکسن‌ستیزان و واکسن‌گریزان چشم‌پوشی می‌کنم که تا چه حد موجب زحمت چندین‌برابری کادر درمان به معنای کلی آن شدند.

شاید کسی در این میان باشد که بگوید آیا هیچ خطایی رخ نداد؟ آیا هیچ پزشک یا داروخانه‌ای خطا نکرد؟ بله در کادر درمان هم خطاکار بود؛ مثل هر صنف و شغل دیگری که در نهایت بی‌اخلاقی، از بحران سودجویی می‌کنند تا پول نامشروع به‌دست آورند. در همین تهران و در خیابانی همچون بلوار... داروخانه‌های شبانه‌روزی بود که داروهای کرونا را با قیمت خون مردم می‌فروخت، اما صداها داروخانه دیگر هم بودند که ماسک را رایگان می‌دادند. پزشکی بود که واکسن را گران فروخت، اما هزاران هزار پزشک جان‌برکف بودند که در میان هزاران سختی و کمبود، جانانه با کرونا جنگیدند. کادر درمانی ایران حتی از مدیران هم بهتر عمل کرد و در نهایت توانست کشور را از بحرانی که در بر گرفته بود، عبور دهد. بحران کرونا هنوز تمام نشده و همین‌حالا که من مشغول نوشتن این یادداشت هستم، برخی در حالی ماسک را کنار گذاشته‌اند که کادر درمان کشور سخت مشغول مهار موج جدید کروناست. اگر دولت را به معنای مدرن و نوین آن، چنان که تعریف کردم، بدانیم، دولت-نقان ایران با نمره‌ای بسیار خوب از این آزمون بیرون آمدند.